بخش دوم

میراث
سید احمد فردید

فیلسوف درکمند تفکر تئولوژیک

بیژن عبدالکریمی

۲ . ۱. اسلام و تشیع

فردید خودش را یک مسلمان و یک شیعه می دانست و به این امر بارها اشاره کرده است.[۸] او می کوشد تا میان تفکر هایدگر با پاره ای از آموزه های اسلام و تشیع رابطه وحدت و یگانگی برقرار کند. به تعبیر دقیق تر، وی از برخی از آموزه های شیعی فهم و تفسیری هایدگری ارائه می دهد. برای مثال، وی تفکر آماده گر [۹] هایدگر، یعنی چشم انتظاری او برای ظهور نحوه جدیدی از تفکر غیرمتافیزیکی در آینده را با موعودگرایی شیعی و باور به ظهور امام دوازدهم شیعیان در دوره آخر الزمان یکی می کند.[۱۰]

پیوند تفکر آماده گرانه و انتظارگرانه هایدگر و نقد او از غرب و غربزدگی و مدرنیته با موعودگرایی و مهدویت شیعی در تفکر فردید، خود را در آثار پاره ای از شاگردان و پیروان فردید به نحو صریح تری می نمایاند.[۱۱]

اما نکته مهمی که در این میان وجود دارد این است که تلاش فردید و به تبع وی بعضی از پیروانش برای پیوند دادن میان پاره ای از بصیرت های اساسی هایدگری با موعودگرایی شیعی و اتخاذ برخی مواضع سیاسی را به هیچ وجه نباید صرفاً ناشی از نوعی فرصت طلبی سیاسی و اخلاقی تلقی کرد. باید توجه داشت که فردید نمی کوشد تا از هایدگر و آموزه های او تصویری شیعی ارائه دهد بلکه برعکس درصدد است تا از موعودگرایی شیعی در جهت نقد مدرنیته و فرهنگ و تمدن جدید، نقد غربزدگی، نقد سیانتیسم و علم مدرن بیگانه از معنا و نقد زندگی بدون فکر و ذکر و مستغرق در موجودات و بی اندیشه به وجود فی نفسه بهره گیرد. فردید، درست مثل اکثریت روشنفکران و درست مثل بسیاری از ناقدان و مخالفانش، در نخستین سالهای انقلاب اسیر فضای رومانتیسم حاکم بر جامعه ما شد و با زبانی شورانگیز و پرشور، که گرانبار از ادبیات تئولوژیک رایج در جامعه و تاریخ ما بود به بیان پاره ای مواضع سیاسی پرداخت. بیان این مواضع از بیشتر در سیاقی غیرسیاسی و در متن تفکر هایدگری و در نسبت با مواضع نقادانه فردید نسبت به مدرنیته باید فهم کرد تا بر اساس نسبت دادن نوعی فرصت طلبی سیاسی و اخلاقی. فردید مثل همه ما انسان بود و مثل همه ما اسیر محدودیت های بشری و تاریخی خود بود. نقدهای سیاسی به فردید از آن نوع که در جامعه ما رایج است شمشیر دولبه ای است که با هر ضربه به او، به خود رقیب نیز آسیب می رساند. و نیز

گر حکم شود که مست گیرند
در شهر هر آن که مست گیرند

به هر تقدیر، آنچه مسلم است این است که در اندیشه هایدگر، تفکر انتظارگرانه با بازگشت مسیح نسبتی ندارد. ممکن است کسی مدعی شود که بسیاری از اندیشه های هایدگر از جمله تفکر انتظارگرانه وی را می توان در تفکر مسیحی و کاتولیسیسم ردیابی کرد، لیکن، حتی در صورت پذیرش این رأی نیز هایدگر از بازگشت مسیح سخن نمی گوید.

۲ . ۲. عرفان تئولوژیک

در سنت تفکر اسلامی، همه جریانات فکری، اعم از فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، حکمت متعالیه ملاصدرا و حتی عرفان نظری و حکمت انسی از تئولوژی اندیشی و رهیافت تئولوژیک در پژوهش های خود رنج می برند و در بسیاری از مواقع پاسخ پرسش ها به واسطه مفروضات تئولوژیک سمت و سوق می یابند و پرسش ها در مسیری قرار می گیرند که پاسخ ها در نهایت با باورهای تئولوژیک سازگار باشد. عرفان با حکمت انسی در فردید نیز شدیداً با باورهای تئولوژیک عجین است.

جوهره تفکر عرفانی را می توان تلاش برای نیل به یک ساحت فراتاریخ و فهم راز و امر قدسی در وصف فراتاریخیت آن و غلبه بر همه باورهای قومی، فرهنگی و تاریخی دانست. اندیشه عرفانی، در تعارض با تفسیرهای فشری، ظاهراندیشانه، قومی و تاریخی، خواهان دعوت به این آموزه بسیار ژرف و سترگ است که هیچ قوم، هیچ دین و هیچ فرقه ای نمی تواند مدعی امر متعالی باشد و امر قدسی فراتر از همه چارچوب های قومی، نژادی، طبقاتی، تاریخی، فرهنگی، نظری و متافیزیکی است. اما در عرفان اسلامی، این تلاش برای نیل به ساحت فراتاریخ در کنار باور به مفروضات تاریخی، به نحو توأمان و درهم تنیده دیده می شود. اعتقاد به «نور محمدی» مثال خوبی است که نشان می دهد چگونه حقیقتی ازلی و ابدی، یعنی فراتاریخی، که با تعبیر «نور» بدان اشاره شده است در کنار واقعیتی تاریخی، یعنی پیامبر اسلام، قرار گرفته و تعبیر «نور محمدی» را شکل داده است و «فراتاریخ» وصف و زبانی تاریخی پیدا می کند. در عبارتی نیز که از فردید، در یادداشت شماره ۷، نقل شد به وضوح وصف تئولوژیک، یعنی تن دادن به مفروضات تاریخی را می بینیم:

«حضرت ختمی مرتبت مبعوث شد، مظهر ظهور حقیقت و اسمی دیگر قرار گرفت و خصوص این حقیقت است که از آن در عرف حکمای انسی به عنوان حقیقت محمدی (ص) یاد شده است».

«مسلم این است که به موجب حتی کلمات قرآن، مظهریت تام و تمام اسم الله محول به ظهور امام عصر (عج) است ...».

هایدگر می گفت: «ما برای خدایان بسیار دیرهنگامیم و برای هستی بسیار زوده». بر این قیاس باید گفته شود که خدای فردید و عرفان نظری او، در زمانه ما بسیار دیرهنگام است. این سخن بدین معناست که خدای فردید، هنوز از صبغه های تفکر تئولوژیک آزاد و رها نشده است و از «وجود» هایدگر، که فارغ از همه مفروضات تئولوژیک مربوط به خدایان اونتیک [۱۲] سنتی است، فاصله دارد.

۲ . ۳. زبان مدافعه جویانه [۱۳]

زبان و لحن پرخاشجویانه فردید، از سوی روشنفکران و منتقدان ایران بارها مورد انتقاد قرار گرفته است. ما می توانیم ماهیت این انتقاد را بدین نحو مورد فهم و تحلیل قرار دهیم که زبان فردید، تاحدودی از وصف آپولوژیستیک و مدافعه جویانه برخوردار بود؛ و همین وصف زبانی وی بود که همواره مخاطبانش را می آزرد.

زبان مدافعه جویانه فردید، برخلاف نظر پیروان و ارادتمندان او، صرفاً ریشه در جنبه های روانشناختی شخصیت وی نداشته بلکه حکایت گر جنبه های تئولوژیک تفکر او نیز هست. سخن بر سر پرخاشگری و تندخویی شخصی فردید نیست. می توان با همه شیفتگان فردید موافق بود که پرخاشگری و تندخویی او ناشی از روح بزرگ و به جنون کشیده شده ای بود که در قالب نحیف و ضعیفش نمی گنجید. در اینکه فردید متفکری دردمند و شیدا بود و تفکر و زندگیش خلاف آمد روزگار و جامعه ما بود، هیچ تردیدی ندارم و می پذیرم که گاه دردمندی و شورمندی یک روح شیدا و ساختارشکن، در زبانی تند و خشن و حتی پریشان گو خود را می نمایاند. لیکن سخن من بر سر استفاده از ادبیاتی گرانبار از ارزش، به خصوص ارزش های تئولوژیک، در حوزه تفکر اونتولوژیک است. کاربرد فراوان تعابیری چون فراماسونی، غربزده، غربزده مضاعف، کافر، ملحد طاغوت و ترجمه اصطلاح سوبژکتیویته به نفسانیت یا اصالت موضوعیت نفسانی، ترجمه اندیویدوآلیسم به آنانیت و ترجمه لیبرالیسم به اباحیت و اباحه گری و سخن گفتن از نفس اماره یونانی، دنیای مشرکان یونانی، نفس اماره جدید، مظهریت اسم طاغوت و فرعونیت نوعی جدید، ... صرف نظر از اینکه یک نوع رادیکالیسم در تفکر فردید و موضع گیری فکری و نظری وی نسبت به جریانات و پدیده های گوناگون نظری، فکری و فلسفی را نشان می دهد، لیکن گاه ذهن و اندیشه ما را به یاد شنونده را در جامعه ایرانی رهزنی کرده، او را از تفکر به سوی نوعی موضع گیری تئولوژیک و ایدئولوژیک سوق می دهد. همین امر است که سبب می گردد اندیشه فردید، به سهولت ابزاری در دست پاره ای عوام فریب یا بیگانه از ساحت تفکر قرار گرفته، از آن در جهت برخی مواضع و مجادلات سیاسی و ایدئولوژیک بهره گیری نمایند.

آشنایان با آثار هایدگر وقتی ادبیات مستتر در این آثار را با ادبیات فردید مقایسه می کنند به خوبی درمی یابند که هایدگر تا چه حد پروای آن را داشته است تا از مفاهیم تئولوژیک و گرانبار از ارزش های تئولوژیک بهره نگیرد.

بی تردید، در اینجا مجال طرح این پرسش هست: آیا اساساً ما می توانیم برخوردار از مفاهیم، زبان و ادبیاتی فارغ از هرگونه ارزش و ارزشگذاری باشیم و آیا هر زبانی خود گرانبار از پاره ای از ارزش ها و مواضع و جهت گیری های ارزشی نیست؟ در پاسخ باید گفته شود سخن در این نیست که ما باید از زبانی فارغ از هر گونه ارزشگذاری بهره گیریم که تمنایی محال است، لیکن سخن در این است که گاه در زبان و ادبیات ما ارزشگذاری ها بیش از پدیدارها خود را می نمایانند و مجال مواجهه ما با پدیدارها را از ما سلب می کنند.

۳ . دوقطب اندیشی [۱۴]

زبان تئولوژیک و لحن آپولوژیستیک فردید و کاربرد مفاهیم گرانبار از ارزش در این زبان، گاه حکایتگر وجود نوعی تفکر دوقطبی در ذهن و احساس این متفکر ایرانی است. این تفکر دوقطبی در آثار و نوشته های شاگردان فردید بیشتر خود را هویدا می سازد. برای مثال کاربرد مفاهیمی چون «هنر شیطانی و هنر رحمانی»، «فلسفه شرک یونانی و حکمت الهی مسیحی»، «ولایت شیطانی و ولایت الهی»، یا اساساً تقابل قاطع و مطلق «مدرنیته و سنت» در ادبیات فردید و پاره ای از پیروانش این نوع تفکر دوقطبی را به خوبی نشان می دهد، و تو گویی برای مثال تمام تاریخ هنر را می توان تحت دو مفهوم متقابل «هنر رحمانی و هنر شیطانی» قرار داد و یا فلسفه یونانی را می توان سراسر شرک و در تقابل مطلق با حکمت مسیحی، که یکسره الهی فرض شده است، قرار داد یا آنکه می توان به نقد و انکار مطلق هر آنچه مدرن است و با مدرنیته نسبت دارد، پرداخت و به نحوی مطلق از سنت و همه جریانات گوناگون آن دفاع کرد. می پذیرم وقتی که سخن از بنیاد است و تا زمانی که از سوبژکتیویسم عبور نکرده ایم، ما در برابر یک انتخاب رادیکال نسبت به وجود یا عدم وجود بنیاد قرار داریم و در این مقام با یک دوقطبی اساسی یعنی با یک یا این یا آن [۱۵] مواجه ایم، یعنی یا وجود بنیاد را می پذیریم یا آنکه به ورطه نیهیلیسم سقوط می کنیم. لذا تا زمانی که سخن در مقام پذیرش وجود یا عدم وجود بنیاد است - مشروط به اینکه هنوز اسیر سوبژکتیویسم باشیم، چرا که با عبور از سوبژکتیویسم، بنیاد، یعنی نفس هستی، همان حقیقت استعلایی است که به هیچ وجه مورد انکار، محل شک و تردید یا مورد تعلیق حکم قرار نمی گیرد ما با نوعی زبان دوقطبی و منطق دوارزشی مواجه ایم، لیکن استفاده از زبان و منطق دوارزشی برای تبیین تاریخ هنر، تاریخ تفکر یا تاریخ سیاسی ما را با مشکلات عدیده ای مواجه می سازد. برای مثال نمی توان تمام تاریخ هنر را با دو مقوله «هنر رحمانی و هنر شیطانی» تبیین کرد یا تمام تفکر «متافیزیکی یونانی» را تحت مقوله «شرک» و در تقابل با «حکمت الهی مسیحی» قرار داد.

به خوبی آشکار است که یک چنین زبان و تفکر دوقطبی، لااقل با یک چنین صراحت و وضوحی، در آثار هایدگر دیده نمی شود.

۴ . اعلام عقیده [۱۶]

در نوشته ها و سخنان فردید اعلام عقیده های بسیار دیده می شود. مراد ما از «اعلام عقیده» بیان آرا و باورهایی بدون ذکر هیچ گونه دلیل یا روشنگری است. در آثار یا گفته های فردید بسیاری از مواقع شما صرفاً با نتایج بحث، در شکل پاره ای کلمات قصار، روبروئید بی آنکه مسیر تفکر نمایانده شود و روشن گردد که از کدامین مقدمات یک چنین نتایجی حاصل شده است. تفکر نوعی حرکت و سیر است و خود حرکت و سیر، از نتایج اهمیت بیشتری دارد. لیکن آثار فردید و نیز برخی از شاگردانش، مملو است از اعلام عقیده بدون ذکری از مقدمات و بدون نشان دادن سیر، مراحل و موافقی که به نتایج مورد نظر منتهی شده است. برای مثال عبارات زیر را در نظر بگیرید:

«هریک از ادوار تاریخی را سه مرحله است: حقیقت، طریقت و شریعت».[۱۷]

«هریک از ادوار و عهود تاریخ را سه ساحت آگاهی و خودآگاهی (آگاهی ذاتی ماهوی) و دل آگاهی است و به تعبیراتی دیگر سه ساحت علم الیقین (تبیین وشناسایی علمی) و عین الیقین (یقین وشناسایی عینی، عینی به معنی ماهوی) و حق الیقین (یقین وشناسایی حقیقی به معنی شناسایی سر ماهیات)».[۱۸]

«اگر از نظر اسمی که اسلام مظهر آن قرار گرفته، وارد مطلب شویم باید بگوییم که روح یونان قدیم مظهر اسم طاغوت بوده است و طاغوت هم نسبت به دیانت مقدس اسلام دیو است».[۱۹]

سخن به هیچ وجه بر سر معناداری یا بی معنایی یا حتی درست یا غلط بودن این عبارات نیست. بی تردید می توان با نوعی همدلی با علم الاسماء تاریخی یا مؤانست با پاره ای متون عرفانی به معانی مورد نظر فردید در این عبارات پی برد و حتی با آنها موافقت کرد، و کوشید آنها را به نحو ملموس تر و قابل فهم تری بیان داشت. لیکن سخن در این است که متفکر باید مخاطب را در مسیر سیر تفکر خویش قرار دهد. این سیر از خود نتایج بنیادی تر و اساسی تر است. اما فردید در بسیاری از مواقع صرفاً به بیان نتایج می پردازد. لذا پاره ای از جنبه های تفکر او در میان شاگردانش محصور می ماند و نمی تواند خارج از محدوده این گروه محدود از شاگردانش بسط یابد. وقتی از «اعلام عقیده» در یک متن یا در اندیشه یک متفکر سخن می گوییم، مرادمان آن است که در آن پرسش و پاسخ و سیر دیالکتیکی در معنای سقراطی و افلاطونی آن، دیده نمی شود. اعلام عقیده در عرصه تفکر بدون طرح پرسش و بدون نشان دادن مسیر پژوهش، در بدترین و منفی ترین شیوه تعبیر از آن صورتی از «رجزخوانی تئولوژیک» خواهد بود و در بهترین و زیباترین تلقی بیان از آن، «کلماتی قصار»، بی هیچ گونه تحلیل فلسفی.

۵ . بازگشت به تفکر ماقبل کانتی

«اعلام عقیده» های فردید، که مبتنی بر پاره ای بصیرت های مستتر در عرفان نظری خودمان و در بسیاری از مواقع آمیخته با زبانی تئولوژیک است به خوبی نوعی بازگشت به تفکر ماقبل کانتی را نشان می دهد. سخن در این نیست که ما باید حتماً کانتی بیندیشیم یا تفکر را در چارچوب فلسفه استعلایی و انتقادی کانت مصرح کنیم. کانت به سنت مابعدالطبیعه تعلق دارد و می توان از سنت مابعدالطبیعی گذر نمود. لیکن، بعد از کانت، ما دیگر نمی توانیم نسبت به نقدهای او از بلندپروازی های عقل محض بی تفاوت باشیم. در دوران ما و پس از کانت، دیگر هیچ متفکری که خواهان اندیشیدن در باب ماهیت مابعدالطبیعه یا در صدد گذر از مابعدالطبیعه است، نمی تواند نسبت به پرسش های کانتی از مابعدالطبیعه بی تفاوت بوده یا آنها را بی پاسخ بگذارد. برای مثال به عبارات زیر، که مأخوذ از گزارشاتی است که مرحوم سیدعباس معارف [۲۰]، از تفکر فردید ارائه می دهد، توجه کنید:

«بدین قرار برترین علم به اعیان اشیاء، علمی است که حاصل از رؤیت آن شیء، در علم الله باشد که این همان مرتبه شهود عین ثابت است و مرحله بعدی علم انسان به اعیان، نمود آن در عالم ارواح کلیه است و مرتبه سوم و چهارم علم به اعیان را ادراک ماهیات کلی آنها در ضمن کثرات عالم مثال و عالم اجسام است».[۲۱]

«برای حق تعالی دو تجلی است: نخست تجلی او به ذات خود در مقام اتصاف به اسماء و صفات که در این مقام، ذات آیینه ذات است. پیداست که در چنین مقامی هر یک از اسماء و صفات حق را مظهری در آیینه خواهد بود که از آن به عین ثابت تعبیر می شود و همین تجلی است که منشأ تقرر تمام ماهیات است به همین جهت از این تجلی به فیض اقدس تعبیر کرده اند.

تجلی دوم حق در اعیان ثابته است که موجب وجود آنها در خارج می شود که از این امر به فیض مقدس تعبیر کرده اند».[۲۲]

نه تنها سخن در این نیست که فلسفه و عرفان نظری ما نمی تواند منبعی برای تفکر قرار گیرد، بلکه برعکس، سخن بر سر تأکید بر این امر است که سنت نظری ما، که مهم ترین بخش آن فلسفه و عرفان آن است، از منابعی بسیار اصیل برای احیای تفکر در سرزمین ماست. حتی مسأله بر سر درستی یا نادرستی این تعابیر نیست، چرا که اساساً معیاری برای بررسی درستی یا نادرستی این تعابیر وجود ندارد. همچنین نمی خواهیم بگوییم که آرای گذشتگان ما فاقد مبانی حکمی بوده و ما نمی توانیم این مبادی را استخراج کنیم. سخن در این است که با صرف تکرار آنچه در سنت فلسفی و عرفانی ما بیان گشته است، عالم سنت احیاء نمی شود و فلسفه و عرفان اسلامی در مدار تفکر دوران معاصر قرار نمی گیرد. ما نباید شیپور را از سر گشادش بدمیم. یعنی ما حق نداریم به صرف اظهار عقیده و بیان نتایج تفکر گذشتگان بسنده کنیم، بلکه باید از طرح مسأله شروع کرده و مسیر تفکری را که گذشتگان پیموده اند، مرحله به مرحله و گام به گام بازسازی کنیم. اما باید متوجه باشیم که در این طرح مسأله و طی طریق گام به گام نمی توانیم از فلسفه و عرفانی سخن بگوییم که پرسش های عظیم کانت در برابر بلندپروازی های عقل نظری را نادیده گرفته و به متافیزیک دوران جدید و دستاوردهای هگل، نیچه، فرگه، وینگنشتاین، هوسرل و هایدگر بی توجه باشد.

سخن در این است که بعد از انکار امکان شهود از علم و اراده الهی توسط کانت، چگونه می توان از رؤیت ماهیات شیء در علم الله دفاع کرد یا چگونه می توان نشان داد منشأ تقرر تمام ماهیات، تجلی موسوم به فیض اقدس و منشأ وجود همه ماهیات در جهان خارج را تجلی موسوم به فیض مقدس است.

۶ . «ماده و صورت» و ذات گرایی [۲۳] **ارسطویی**

در آثار و سخنان فردید پاره ای از عناصر مفهومی و مقولات متافیزیکی یافت می شود که با بصیرت های هایدگری پیوند می خورد. لیکن این عناصر و مقولات در اندیشه خود هایدگر وجود ندارند. برای مثال در فردید تفکر تاریخی هایدگر با مفاهیم «ماده و صورت» ارسطویی پیوند خورده و مکرراً از ماده و صورت تاریخی سخن گفته می شود و یا ذات گرایی ارسطویی در سیاق بصیرت های هایدگری وارد می شود. لیکن هایدگر، نه به اونتولوژی ارسطویی اعتقاد داشت و نه عناصر مفهومی مثل تمییز میان ماده و صورت یا وجود و ماهیت را می پذیرفت. به همین دلیل، نحوه بیان و کاربرد پاره ای از مقولات متافیزیکی در کنار بصیرت های هایدگری توسط فردید، در حوزه مطالعات هایدگرشناسی اعتراضات و انتقادات شدیدی را نسبت به نحوه تقریر وی از هایدگر سبب گردیده است.

۷ . فقدان نگاه انتقادی به هایدگر

فردید مدعی است که با هایدگر هم سخن است، لیکن یک سخن نیست: «من با هایدگر تا آنجایی که غرب را و اومانیسم را و تاریخ دوهزارویانصد ساله متافیزیک غرب را نفی می کند، هم سخنم ولی یک سخن با آن نیستم. چون من مسلمان، شیعه و ایرانی هستم و نمی توانم با هایدگر حکیم آلمانی مسیحی یک سخن باشم. من با هایدگر هم سخنم ولی با تذکر به حکمت و عرفان اسلامی من برای خودم حرف هایی دارم که هایدگر اصلاً وارد این مباحث نشده است».[۲۴]

لیکن علی رغم این ادعای فردید، شما حتی یک عبارت در نقد تفکر هایدگر در آثار و نوشته های تاکنون منتشر شده فردید و یا در میان خیل آثار شاگردان او نمی یابید. همچنین در اندیشه فردید بصیرت فلسفی مستقلی را نمی توان یافت که ریشه های آن در تفکر هایدگر یافت نشود. این نکته صرف نظر از اثبات نوعی مجذوبیت و شیفتگی نسبت به تفکر هایدگر، نشان می دهد که فردید فاقد توانایی لازم برای برقراری دیالوگ با هایدگر بوده است، چراکه برقراری دیالوگ نیازمند برخورداری از مواضع و بصیرت های فلسفی مستقل برای ورود در یک گفت وگوی فلسفی است.

> در اندیشه فردید بصیرت فلسفی مستقلی را نمی توان یافت که ریشه های آن در تفکر هایدگر یافت نشود. این نکته صرف نظر از اثبات نوعی مجذوبیت و شیفتگی نسبت به تفکر هایدگر، نشان می دهد که فردید فاقد توانایی لازم برای برقراری دیالوگ با هایدگر بوده است

> تلاش فردید و به تبع وی بعضی از پیروانش برای پیوند دادن میان پاره ای از بصیرت های اساسی هایدگری با موعودگرایی شیعی و اتخاذ برخی مواضع سیاسی را به هیچ وجه نباید صرفاً ناشی از نوعی فرصت طلبی سیاسی و اخلاقی تلقی کرد

پذیرش نمایندگی
شرکت معتبر بازرگانی خارجی در زمینه لوازم خانگی به نمایندگی بدون سرمایه با ضمانت نامه بانکی در کلیه شهرستانها و استخدام رسمی سرپرست استان با دفتر در مرکز استان نیازمند است.
تلفن تماس تهران ۹-۸۷۲۰۵۰۴۵

آگهی فروش
یک قطعه زمین به مساحت ۴۵۰۰ متر مربع بر جاده اصلی بلوار ۴۵ متری واقع در جنب میدان بار قائم، شهرستان قائم شهر به فروش می رسد.
تلفن تماس: ۰۱۲۳-۲۲۲۳۶۳۰ همراه: ۰۹۱۱ ۱۱۱۲۳۳۲
به شرکت تعاونی مرغداران قائم شهر جنب اداره پست مراجعه گردد.

آگهی مناقصه
این دانشگاه در نظر دارد، نسبت به خریداری، نصب و راه اندازی یک دستگاه مرکز تلفن دیجیتال کم ظرفیت حدوداً ۲۰۰ پورت با امکان برقراری ترانک IP همزمان به صورت Base ذاتی اقدام نماید. لذا از شرکتهای ذیصلاح دعوت می‌شود برای اخذ اسناد مناقصه حداکثر تا ۸۵/۱/۲۴ به نشانی ساری، بلوار امیر مازندرانی، ساختمان مرکزی دانشگاه، طبقه اول، قسمت تدارکات مراجعه و عندالزوم با تلفن شماره ۳۰۵-۲۲۶۳ - ۱۵۱ تماس برقرار نمایند.
در ضمن هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی
شماره ۸۵/۳۳
وزارت نیرو - شرکت آب و فاضلاب گیلان (سهامی خاص)
شرکت آب و فاضلاب استان گیلان در نظر دارد، کالاهای مورد نیاز در بخش های عمرانی خود را به شرح زیر از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا از کلیه تولیدکنندگان و فروشندگان معتبر دعوت می شود برای دریافت اسناد فنی و شرایط شرکت در مناقصه از تاریخ درج آگهی به مدت ۷ روز به امور بازرگانی شرکت واقع در رشت، خیابان حافظ، جنب پارک قدس مراجعه و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۵۰۴-۳۲۳۰۵۰۴ - ۱۳۱ و نمابر ۳۲۶۶۳۵۷ - ۱۳۱ تماس حاصل نمایند:
۱- ۲۰۰۰۰۰ زانویی ۴۵ درجه یک سر موفه از جنس پلی اتیلن
۲- لوله GRP برای طرح فاضلاب سیاهکل و آبفای آستارا
نشانی سایت اینترنتی شرکت آب و فاضلاب شهری گیلان:
www.abfa-guilan.com
شرکت آب و فاضلاب استان گیلان

آگهی مناقصه
وزارت نیرو - شرکت آب و فاضلاب اهواز
شماره ۴/۵/۱۰
شرکت آب و فاضلاب اهواز در نظر دارد، موارد مشروحه ذیل را
۱- ساخت دالهای بتنی پیش ساخته آدمرو
با مشخصات مندرج در اسناد مناقصه به اجرا بگذارد. لذا از پیمانکاران واجد شرایط دعوت می شود به منظور خرید اسناد مناقصه از تاریخ نشر آگهی به مدت ۷ روز با ارایه فیش بانکی به مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) واریز به حساب ۱۱۶۶ بانک صادرات شعبه اول کیانپارس اهواز (کد بانک ۲۳۰۷) در ساعات اداری به نشانی اهواز، کیانپارس، خیابان شهید هدایت، نبش خیابان پنجم غربی، ساختمان اداری تلفن ۱۳۳۸۶۵۱۲ - ۰۶۱ مراجعه نمایند.
ضمناً کارفرما در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات ارایه شده مختار می باشد.
محل تحویل اسناد دفتر حراست و امور محرمانه
تاریخ بازگشایی پاکات در اسناد مناقصه قید شده است.
هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است.
حضور شرکت کنندگان در روز بازگشایی پاکات آزاد است.
روابط عمومی و آموزش همگانی
شرکت آب و فاضلاب اهواز

آگهی مناقصه عمومی
خدمات داده آمایی
شرکت سهامی خدمات ماشین‌های محاسب الکترونیکی در نظر دارد خدمات داده آمایی (DATA ENTRY, VERIEFY) خود در سایت کامپیوتر و واحد های اداری مستقر در استان تهران و مراکز کامپیوتری مستقر در ادارات کل امور مالیاتی سایر استان‌های کشور را از طریق مناقصه عمومی و انعقاد قرارداد به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. لذا از شرکت‌هائی که در این زمینه فعالیت دارند دعوت می شود جهت دریافت اوراق مناقصه حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۸۵/۰۲/۰۲ در ساعات اداری (ساعت ۷/۳۰ الی ۱۵/۴۵) به استثناء پنج شنبه ها و ایام‌تعطیل. با ارائه معرفی نامه به واحد امور مشتریان این شرکت به نشانی: تهران، خیابان امیر اسرائیل، ساختمان مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارائی - خانه آتی - طبقه چهارم - اتاق ۴۰۳ مراجعه و با توجه به مندرجات اوراق مناقصه، پیشنهاد های خود را حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۵/۰۲/۱۳ به نشانی فوق تسلیم نمایند.
شرکت سهامی خدمات ماشین‌های محاسب الکترونیکی